

## خوانش پسااستعماری رمان «بیوتن» بر اساس اندیشه شرق‌شناسی ادوارد سعید

تهمینه شجاعت‌زاده،<sup>۱</sup> نرگس اسکویی،<sup>۲</sup> آرش مشفق<sup>۳</sup>

### چکیده

اهمیت رمان بیوتن از منظر مطالعات پسااستعماری در آن است که نویسنده توانسته است در قالب ادبیات پسامدرن و با بهره‌گیری از تبیین رخدادهای دنیای معاصر همچون سروری و سیادت امپریالیستی بر کشورهای دیگر، تقابل فرهنگی غرب و شرق و نفوذ نظام اندیشگانی و زبانی غربی بر شرق و نتیجتاً بحران هویت شرقی را به چالش بکشد و ماحصل آن را در شکل افزایش روزافزون گستره نفوذ غرب بر شرق گزارش کند. پژوهش حاضر - با بهره‌یابی از روش تحلیلی و توصیفی - اختصاص داده شده است، به برجسته‌سازی مؤلفه‌های اندیشه شرق‌شناسی ادوارد سعید همچون: هویت سنتی و مدرنیته، فرودستی شرق در قیاس با سروری و بالادستی جهان غرب، تقابل مفهوم هویتی خود و دیگری در ساحت مطالعات پسااستعماری و در بستر رمان بیوتن.

کلیدواژه‌ها: مطالعات پسااستعماری، تقابل شرق و غرب، خود/دیگری، بیوتن، سنت/مدرنیته.

---

۱. دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. Shojaatzadeh.t1396@gmail.com  
۲. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. (نویسنده مسئول) n.oskooi@bonabiau.ac.ir  
۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد بناب، دانشگاه آزاد اسلامی، بناب، ایران. moshfeghi.arash@gmail.com  
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۰/۱۷ تاریخ وصول: ۱۳۹۷/۱۰/۱۲

## مقدمه

مطالعات پسااستعماری، از رهیافت‌های متأخرتر ادبی است که هرچند باید ریشه‌های آن را در دهه‌های پنجاه و شصت میلادی در اندیشه‌های فرانتس فانون، میشل فوکو، آلبر مومی و دیگران جست، اما تنها در اواخر دهه هفتاد است که با انتشار کتاب شرق‌شناسی ادوارد سعید، این رهیافت ادبی به رسمیت شناخته می‌شود. «این شاخه از ادبیات به‌طور کلی دربرگیرنده هرگونه پژوهش درباره آثار استعمار بر اغلب فرهنگ‌های دنیا است» (برتنز، ۱۳۸۲: ۲۵۶)؛ و فرض اصلی آن است که «امپریالیسم، در تشکیل هویت، شیوه زندگی، زیست‌بوم فرهنگی مردم در سراسر جهان تأثیر تعیین‌کننده‌ای دارد» (بشیریه، ۱۳۷۹: ۱۳۳). پسااستعمارگرایی با تمرکز بر فرهنگ‌ها و هویت‌های تثبیت‌شده امپریالیستی، با استفاده از مؤلفه‌های فرهنگی و هویتی «به دنبال قرائتی پساملی‌گرایانه از مواجهه با استعمار است» (گانیدی، ۱۳۸۱: ۱۸۷).

کتاب شرق‌شناسی ادوارد سعید یک تصویر کلی از مفاهیم اصلی و مهم پسااستعمارگرایی ایجاد می‌کند؛ سعید ابتدا به ذهنیت غالب در موضوعیت غرب در اذهان غیرغربیان اشاره می‌کند که طبق این برداشت، غرب سراسر دشمن مردم عرب و مسلمانان و خصم آنان شمرده می‌شود (سعید، ۱۳۸۷: ۵۱)؛ اما در عین زمان، سعید معتقد است که هرچند بسیاری از غربیان علی‌الخصوص شرق‌شناسان، سعی در ارائه تصویری تحریف شده و اغلب فرودستانه از شرق و به‌خصوص اسلام دارند تا غرب هم‌چنان به مرکزیت آمرانه و بالادستی خود بر جهان استمرار و قوام بخشد، اما این همه ماجرای رابطه غرب و شرق نیست؛ زیرا پوشیده نیست که بسیاری از روشنفکران ادوار بیداری شرق، دانسته‌های خود را، حتی در زمینه مسائل هویتی و فرهنگی (نظیر زبان، ادبیات، نژاد و قومیت، سنت‌ها، تاریخ، ادیان و...) مدیون آثار شرق‌شناسان غربی هستند.

امروزه مطالعات پسااستعماری و توجه به اندیشه‌های شرق‌شناختی، به‌گونه مطالعات چندرشته‌ای در میان تحقیقات علمی محققان ایرانی از رویکرد مطلوبی برخوردار است؛ اگرچه «ایران، هیچ‌گاه به طور مستقیم مستعمره کشوری نبوده تا ادبیات پسااستعماری داشته باشد» (تسلیمی، ۱۳۸۱: ۲۱۰)، با این حال مطالعات پسااستعماری که در حوزه نظری

بیشرفت چشم‌گیری داشته است، نشان دهنده این واقعیت است که در برهه‌های مختلف زمانی، ایران از اشکال مختلف استعمار و استعمارگرایی به دور نمانده است؛ موقعیت منطقه‌ای استراتژیک ایران و ذخایر طبیعی این کشور، همواره آن را مقصد و مطمع استعمار غرب و شرق قرار داده است. جنگ ایران و عراق که با جهت‌گیری‌های جانب‌دارانه و استعمارگراییانه امپریالیست‌های شرقی و غربی همراه بود، یکی از بارزترین چهره‌های تسلط استعماری را نشان داده است؛ این رخداد تاریخی مهم و پیامدهای عظیم ناشی از آن، چه در عرصه شعر و چه در عرصه نثر، شاعران و نویسندگان را به واکنش برانگیخت؛ این نویسندگان بر آن شده‌اند که به لایه‌های پنهان جنگ چون مسائل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی بپردازند. از این میان رضا امیرخانی جزو آن دسته از نویسندگانی است که در زمینه ادبیات جنگ می‌کوشد تا گوشه‌ای از نمادهای رایج موسوم به «ارزش‌های دفاع مقدس» را به مثابه ابزار و نشانگان فرهنگی، در قیاس با فرهنگ «غیرخودی» یا وارداتی در آثار خود عرضه نماید. وی در شیوه نوشتاری خود، زبان خاص و درعین حال متهورانه‌ای را برگزیده است. در رمان «بیوتن» امیرخانی به طرح حکایت سرگشتگی انسان مدرن و گسسته از تاریخ، انسان‌هایی با هویت‌های فراموش شده و بی‌وقت و بی‌وطن که در هاله‌ای از تردید میان سنت و مدرنیته گرفتار شده‌اند می‌پردازد؛ در عین زمان، نویسنده با طراحی ارمیا، شخصیت به‌جا مانده از جنگ ایران و عراق که به نظر نویسنده، حائز تمام ویژگی‌های یک شخصیت آرمانی و استعلایی با هویت و فرهنگ اصیل و مستقل است، در قالب مطالعات فرهنگی و با اتخاذ گفتمان ایدئولوژیکی، مخالفان دیدگاه فرهنگی - اعتقادی خود را به باد انتقاد گرفته است.

## بیان مسئله

مسئله اصلی مقاله حاضر، خوانش پسااستعماری رمان بیوتن، از میان رمان‌های ادبیات جنگ است. آنچه این کتاب را از منظر مطالعات پسااستعماری و شرق‌گرایانه حائز اهمیت می‌سازد، جرئت گام زدن در مرزهای ممنوعه است. امیرخانی شخصیت مورد علاقه خود را از پس تجربه حضور در میدان جنگ و دل سپردن به آرمان‌های استعلایی آن و در عین تقید تام به باورها و ارزش‌های دفاع مقدس و امپریالیسم‌ستیزی به قلب مدرنیته غرب

(آمریکا) می‌فرستد. حضور و استیلای بالادستی غرب و نگاه دیگری/غیرانگاران‌اش به شرق، سیطره استعمار و نفوذ فرهنگ و آداب و رسوم غرب بر تاروپود فرهنگ شرقی، حاکی از ظرفیت رمان برای بررسی آن از منظر دیدگاه‌های حوزه شرق‌شناسی و بسااستعماری است.

### پیشینه تحقیق

نقد و تفسیر آثار ادبی جهان و ایران، با رویکرد به مطالعات شرق‌شناسی و بسااستعماری، امروزه از کمیت خوبی برخوردار است. فاطمه کاسی (۱۳۹۷) در مقاله «بررسی تطبیقی رمان حاجی بابای اصفهانی جیمز موریه و یکی بود یکی نبود جمال‌زاده با تکیه بر شرق‌شناسی ادوارد سعید» پس از مقایسه این دو کتاب بر اساس آرای ادوارد سعید به این نتیجه دست یافته است که سبک و تفکر محوری در هر دو کتاب به یک نحو است و از روش‌ها و نمودهایی یکسان در هر دو کتاب برای تحقیر دیگری فرودست (شرقی‌ها و به طور خاص ایرانی‌ها) استفاده شده است. تورج زینی‌وند (۱۳۹۴) در مقاله «معرفی و تحلیل دیدگاه‌های نقدی ادوارد سعید بر چالش‌های بنیادین ادبیات تطبیقی» به روی‌کردهای استعمارستیز ادوارد سعید در موضوع ادبیات تطبیقی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه سعید، نگرش بالادستی غربیان به آثار شرق را در این نوع مطالعاتی از مصادیق استعمار به شمار می‌آورد؛ فاطمه ترابی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه «بازنمایی زن ایرانی در آثار سفرنامه‌نویسان غربی» پنجاه سفرنامه نوشته شده سیاحان و یا شرق‌شناسان به ایران (از زمان مارکوپولو در عهد ایلخانیان مغول تا پایان دوره اول پهلوی) را بازجسته است و نگاه بالادستی غربیان به دیگری یعنی زن ایرانی فرودست را به تصویر کشیده است. حسین بیرنجم‌الدین (۱۳۸۵) در مقاله «گفتمان شرق‌شناسانه در نمایشنامه ایرانیان» که بر اساس نظریات شرق‌شناسی ادوارد سعید و هومی بابا انجام یافته است، نشان می‌دهد که در این نمایشنامه یونانی، چگونه ایرانیان، چونان «دیگری» برای یونانیان ظاهر می‌شوند و در نظر آنان پرجاذبه، منفور، هراس‌انگیز، رشک‌انگیز و در هر حالت فرودست می‌نمایند.

باوجود اهمیت آثار داستانی رضا امیرخانی در شکل‌گیری ادبیات جنگ و گفتمان

شرق‌شناسانه ضدغربی، هنوز تحلیلی درخور و علمی با محوریت این گفتمان و مبتنی بر خوانش و نقد پسااستعماری در میان تحقیقات شکل گرفته بر روی این رمان، یافت نمی‌شود. این مقاله کوششی در این زمینه است.

## مبانی نظری

### ماهیت و چیستی تفکر انتقادی پسااستعماری

واژه پسااستعماری، مبین فرهنگی است که فرایند امپریالیستی از بدو استعمارگری تاکنون آن را تحت سیطره خویش قرار داده است. مطالعات پسااستعماری از سویی ادامه رویکردهای پسااستعمارگرایی است و از سویی دیگر می‌توان آن را در حوزه مطالعات فرهنگی مورد بررسی قرار داد. مؤلفه‌های اصلی مطالعات پسااستعماری در مقوله‌هایی نظیر ملی‌گرایی، قومیت، نژاد و هویت فرهنگی است. «ادبیات پسااستعماری، طیف گسترده‌ای از پژوهش‌های تاریخی، انسان‌شناختی، سیاسی، زبانی، فلسفی، هنری، فمینیستی، جغرافیایی و زیست‌بومی را در برمی‌گیرد» (رشیدیان، ۱۳۹۳: ۱۶۰).

### شرق‌شناسی انتقادی ادوارد سعید

ادوارد سعید را می‌توان منتقد، فعال سیاسی و نظریه‌پرداز از نگره گفتمان استعمار دانست. او به‌نوبه خود الهام‌بخش نحله نقادانه «مطالعات استعمار و پسااستعمار» است. کتاب شرق‌شناسی او پیش‌فرض‌های ایدئولوژیک در پس برداشت‌های غربی از شرق را افشا کرد و به شکل‌گیری زیرمجموعه‌ای متمایز از ایده‌ای کمک کرد که بعدها مطالعات پسااستعماری نام گرفت. گفتمان شرق‌شناسی به گفته خود سعید «به عنوان یک نیروی خستگی‌ناپذیر فرهنگی و سیاسی، فرآیند تولید و بازتولید شرق را امتداد بخشید» (سعید، ۱۳۸۳: ۱۷). نظریات ادوارد سعید به عنوان یک شرق‌شناس «منبعث از نظریات پست‌مدرن دهه ۱۹۶۰ به‌ویژه عقاید میشل فوکو است. وی با نوعی نگاه هژمونیک به شرق‌شناسی می‌پردازد» (اردکانی، ۱۳۷۹: ۱۰۹). وی معتقد است که شرق در متون غرب دستخوش دگرگونی‌های متعددی شده است؛ زیرا فرهنگ و تاریخ شرقی به‌طور واقعی در متون غربی،

بازنمایی نمی‌شوند. وی پس از واکاوی متون غربی درمی‌یابد که استعمار در جهت مقاصد خود به شناسایی شرق دست یازیده‌اند. پیش از سعید، نویسندگان متعددی به این موضوع اشاره کرده بودند که شرق آفریده غرب است؛ اما آنچه شرق‌شناسی ادوارد سعید را از نوشته‌های سایرین جدا می‌کند این است که «سعید با استفاده از آراء اندیشمندانی همچون میشل فوکو و آنتونی گرامشی، هژمونی دانش غرب نسبت به شرق و همچنین قدرتی را که غرب به شرق تحمیل کرده است را، به چالش می‌کشد» (عضدانلو، ۱۳۸۳: ۷ - ۲۶). البته باید متذکر شد، نگاه سعید، نگاهی منفرد و یکتا نیست؛ بلکه اندیشمندانی همچون لیل گاندی، گایاتری اسپواک، هومی بابا و رابرت یونگ با مطالعات خویش در این زمینه به آن تداوم بخشیدند و آن را زنده نگاه داشته‌اند. از نگاه سعید، بنیان نظری استعمار غربی، گفتمان شرق‌شناسی است که شرق را مستعد فرودستی و غرب را قادر بر فرادستی ساخت.

ادوارد سعید، عامل «قدرت» را که به میانجی زبان در متون بازنمایی می‌شود، در شناخت شرق دخیل می‌داند. بر همین اساس، «زبان شرق‌شناسی، نوعی حجاب بر واقعیت‌های شرق می‌کشد و نشانه‌ها و مفاهیم زبانی را که از اقلیم دیگر برخاسته، بر زبان و فرهنگ شرق سیطره می‌دهد. بدین‌سان می‌بینیم زبان شرق‌شناسانه، واژه تا جمله و فراتر از آن یعنی بافت فرهنگی/تاریخی را با دلالت‌های ایدئولوژیک یا سیاسی آلوده می‌کند» (ایزدی، ۱۳۸۶: ۲). با توجه به این تقابل‌های زبانی که همه به‌نوعی تداعی‌گر فرادستی و اقتدار غرب است، سعید به تحلیل و بررسی تقابل‌های فرهنگی می‌پردازد. تقابل‌هایی چون: تمدن در برابر توحش، عدالت در برابر بی‌عدالتی، عقلانی در برابر غیرعقلانی از جمله تقابل‌هایی است که حاکی از دوانگاره بودن تفکر شرقی و غربی در اذهان جهان انسانی است. پس شرق همچنان بر قالب‌های ذهنی ریخته می‌شوند که غرب آن‌ها را ساخته است.

### خود و دیگری

هویت، بر اساس نیاز طبیعی انسان به شناختن و شناخته شدن به وجود می‌آید. انسان‌ها به‌محض تولد، در جغرافیا، طبقه، تاریخ و محیطی قرار می‌گیرند که این عوامل، بخشی از ساختار غیراکتسابی «هویت» آن‌ها را می‌سازند. اما بخش عمده‌ای از هویت آدمی،

اکنسایبی است و فرد در یک پروسه و در اثر کوشش به آن دست می‌یابد، بنابراین «هویت امر ثابتی نیست» (بارکر، ۱۳۹۱: ۴۳۹). مفهوم «خود» و یا در شکلی دیگر «من» یکی از مفاهیمی است که مورد توجه ادوارد سعید قرار گرفته است. نفس انسان، از دو بخش «من از منظر خود» و «من از منظر دیگری» تشکیل می‌شود؛ بنابراین فرد نمی‌تواند جز با برداشت‌های «دیگری» خود را بشناسد. به تعبیر نیچه گاهی «خود فرد از خویش پنهان می‌ماند» (انصاری، ۱۳۸۴: ۱۷۶). پس «دیگری» برای خودش یک «من» است و وحدت آن نه در ادراک من، بلکه در خود اوست. هوسرل می‌نویسد: «آنچه من مشاهده می‌کنم، یک نشانه یا یک شبیه صرف یا یک تصویر به هر معنا نیست، بلکه دیگری است» (هوسرل، ۱۳۸۱: ۱۸۹).

ادوارد سعید، غرب را «دیگری» می‌داند که شرق در کنار او می‌تواند هویت خویش را تعریف کند. وی با بهره گرفتن گفتمانی فوکو، به تقابل دوگانه خود و دیگری می‌پردازد. درعین حال «مسئله دیگری - شرق در برابر غرب و بالعکس - در محک نقد قرار می‌گیرد و چالش میان اندیشه‌های دینی و شیوه زندگی سنتی مشرق‌زمین و آزادی و بی‌بندوباری‌ها و فرصت‌های پیشرفت و تحول غرب به چالش کشیده می‌شود» (ناظمیان، ۱۳۹۰: ۲۶۷). «زن / شرق، موجودی نفسانی، فاقد عقلانیت و مهم‌تر از همه بی‌استعداد دیده شده است. سعید مدعی شده که برداشت مردانه از جهان شرق و زنانه فهمیدن آن، شرق را منجمد و موجودی ثابت برای همیشه ساخته است. برای همین امکان توسعه شرق و شرقیان و تبدیل آن به جهانی پویا متصور نیست. این‌گونه شرق برای غرب مانند زن برای مرد است؛ شریکی ضعیف و پست» (رضوی و احمدوند، ۱۳۹۵: ۱۱۰).

## جست‌وجوی مؤلفه‌های پسااستعماری در رمان بیوتن خلاصه داستان

شخصیت محوری رمان، /رمیا معمر است؛ بسیجی رزمنده‌ای که اکنون در سال‌های پس از جنگ، تنها بازمانده گردانی است که مابقی نفرات آن، در قطعهٔ چهل‌وهشت بهشت‌زهرآرمیده‌اند. عشق به آرمیتا، دختر ایرانی‌الاصلی که در روزی آفتابی در بهشت‌زهرآرمیتا ملاقات

کرده است، انگیزه‌ای برای مسافرت او به آمریکا می‌شود؛ داستان با ورود ارمیا به فرودگاه کندی آمریکا آغاز می‌شود. اگرچه حضور شخصیتی با ویژگی‌های برشمرده در کشور آمریکا، به خودی خود، زمینه‌ساز تعارضات گفتمانی بسیاری است، اما نویسنده تمهیدات دیگری نیز برای پررنگ‌تر ساختن تقابل شرق و غرب در داستان فراهم آورده است؛ در این سفر، آشنایی او با "خشی" محقق و استاد دانشگاه در رشتهٔ اسلام‌شناسی (که نمایندهٔ اصلی اسلام آمریکایی یا اسلام مدرن است)، بیل آمریکایی، اسلام‌شناس و دانشجوی اینترنتی یکی از حوزه‌های علمیهٔ ایران، سوزی دختر رقاصه و گداهای مدرن آمریکا (سیلورمن)، او را با نگاهی تازه و نو نسبت به دین و ایدئولوژی‌های مذهبی آشنا می‌سازد و موقعیت‌های بسیاری برای فضاهای گفتمانی فرهنگی و رویکردهای متأثر از تقابل/تعامل هویتی ایجاد می‌کند. در فصل‌های پایانی رمان، ارمیا برای نجات "سوزی" اقدام می‌کند و او را کشته می‌یابد. حضور او در صحنهٔ قتل باعث می‌شود به اتهام شورش بودن زندانی شود.

#### تحلیل محتوای پسااستعمارانۀ رمان بیوتن

شاید بتوان استعماری‌ترین مضمون پیدا در رمان بیوتن را در تأثیر بالادستی اندیشهٔ غربی بر جنبه‌های هویت ایدئولوژیکی و باورهای اعتقادی مردمان مشرق زمین جست. در این رمان، مبانی اسلام غربی، در مقایسه با اسلام اصیل تغییر ماهیت داده است و بر طبق آنچه مرکزیت غرب تلقین می‌کند، اشکال نوینی از دیدگاه‌های مذهبی را شاهد هستیم که از زبان محققان اسلام غربی، در مقام شرق‌شناس (بیل، جیسن، خشی) برای انسان شرقی بازتعریف می‌شود: «بیل می‌گوید: در کتاب مقدس مسلم‌ها آمده است که در قمار البته منفعت‌هایی هم هست. جیسن می‌گوید: حق با بیل است. زندگی هم قمار است. انما الحیوه الدنیا..» (امیرخانی، ۱۳۹۶: ۴۴۶).

علاوه بر این، چندگانگی گفتمانی، که در گفت‌وگوی شخصیت‌های اصلی رمان، نظیر یک دین‌شناس، یک محقق اسلامی و یک رزمندۀ ارزشی و مخلص شاهد آن هستیم، باعث درنگ‌های ذهنی متعددی می‌گردد تا مخاطب بتواند به‌وسیلهٔ آن، اسلام آمریکایی، اسلام



ایرانی و دغدغه‌های دینی را با هم قیاس کند «این جا ما نماز را فارسی می‌خوانیم یا انگلیسی... تو که نمی‌ترسی که خدا بلد نباشد زبانی غیر از عربی را؟» (همان: ۹۴).

حوادث رمان بیوتن در فضای غربی رخ می‌دهد، اما تحلیل رخدادها توسط یک ذهن شرقی انجام می‌گیرد. امیرخانی با استفاده از کلمات قرآنی، بسیاری از مفاهیم و اتفاقات را از دیدگاه مذهبی تجزیه و تحلیل و حتی گاهی پیش‌بینی می‌کند و از همان ابتدا، تسلط گفتمان ایدئولوژیکی را بر ذهن شخصیت اصلی و کل رمان به مخاطب القا می‌کند «آقای آخوند گفت که توی قرآن گفته است که طایب‌ها مال طایب‌ها هستند... ناپس‌ها مال ناپس‌ها ... الخبیثات للخبیثین و الخبیثون للخبیثات و الطیبات للطیبین و الطیبون للطیبات ... - آره! برای همین من رفتم سراغ سوزی. چون هر دو مثل هم بودیم. مثل هم بد و مثل هم خوب ... (همان: ۳۹۴).

### تقابل خود/دیگری و غربی/شرقی

در تقابل غرب و شرق، تضاد این دو آشکار می‌شود. شرق بدون غرب تصورناپذیر است و غرب بدون شرق؛ محتوای شرق، آن چیزی است که غربی نیست و به‌عکس؛ یعنی اگر غرب عقلانی و متمدن است، شرق غیرعقلانی و غیر متمدن است؛ بنابراین یک هویت غربی و یک هویت شرقی در تقابل با یکدیگر تعریف می‌شوند. در بیوتن، اندیشه‌های دینی، اعتقادات مذهبی و تحولات در غرب به چالش کشیده شده‌اند. شخصیت‌های داستان از دوگانگی فرهنگی و احساس تفاوت بین خود و دیگری دچار نوعی بحران هویت گشته‌اند. ارمیا، در برخورد با شخصیت‌هایی چون خشی، میان‌دار و سیلورمن‌های خیابانی، به شناخت خود در مقابل «دیگری» دست می‌یابد. ارمیا، به‌صورت علنی به تمجید هویت خود نمی‌پردازد ولی درعین حال شخصیت شرقی خود را باور دارد. هرچند که مقوله «خود» و «دیگری» چندان مرزبندی دقیقی ندارند. خودانتقادی‌های شخصیت داستان و تعارضاتی که گاه در سخنان وی مبنی بر واپس زدن «خود» دیده می‌شود، چالش‌های هویتی انسانی است که در بحبوحه رخدادهای داستانی به حاشیه رانده شده و «دیگری» بر آن مستولی گشته است.

داستان بیوتن در فضایی نامأنوس و غریب برای شخصیت ارمیا اتفاق می‌افتد. نویسنده به خوبی بر این مسئله واقف است به همین دلیل به توصیف جزء به جزء و دقیق رخدادها می‌پردازد تا فضای داستان را به مخاطب بشناساند؛ فضای اولیه داستان فضای غربی است و برشی دیگر از حوادث داستان در ایران و در یک فضای بسته (مزار سهراب، هم‌رزم ارمیا) رخ می‌دهد. در میان فضای لبریز از آرمان‌های غربی، چند نماد شرقی، موقعیت تقابلی دو فرهنگ را بسیار برجسته‌تر جلوه می‌دهد همچون ظاهر تیپیک ارمیا (نماینده یک رزمنده بسیجی با عناصر بصری خاص خودش از محاسن بلند تا لباس‌های خاص) و رفتارهای مذهبی‌اش، همچون نماز خواندن در فضاهای نامتجانس. (امیرخانی، ۱۳۹۶: ۲۱۸).

### تقییح غرب و تقدیس شرق

امیرخانی داستان بیوتن را دست‌آویزی قرار داده است که از طریق آن رفتار بالادستی غربیان را با هر آنچه دیگری یا سوژه می‌پندارد (از قبیل شرقی‌ها یا رنگین‌پوستان و ...) به نمایش بگذارد. غرب از نگاه ارمیا جایی است که برج‌های بلند اجازه نمی‌دهند که از پس ابرهای تاریک، خورشید (نماد حقیقت و آزادی) در آسمان نمایان شود «دنبال خورشید نباید گشت. خورشید هیچ زمانی در هیچ خیابان منتهن دیده نمی‌شود...» (امیرخانی، ۱۳۹۶: ۴۱). آنچه در رمان از فرهنگ غربی به نمایش گذاشته شده است، در تقابل‌های دوگانه بین خیر و شر، بی‌شک در جدول شرویات قرار خواهد گرفت. خشونت و بی‌بندوباری دو نوع شاخص از تظاهرات فرهنگی است که نویسنده رمان بیوتن بیش از مسائل دیگر در فرهنگ آمریکایی بدان پرداخته است.

### دیدگاه استعماری غرب به شرق

یکی از مهم‌ترین محورهای مورد اهتمام در نقد پسااستعماری، نقد مرکزیت‌زدایی از غرب است. مرکزیت غرب این تصور را در ذهن ایجاد می‌کند که غرب به عنوان هسته و مرکز بر شرق به عنوان حاشیه ارجحیت دارد. به حاشیه رانده شدن شرق موجب می‌شود که شرق به عنوان زیردست در جامعه جهانی مطرح گردد. امیرخانی در بیوتن، این مسئله را که غربی‌ها خود را در مرکز قرار داده‌اند به خوبی به تصویر کشیده است. «امروز این نور،

همان نور السماوات و الارض. این که نبی گرامی فرمود علیکم بالسواد الاعظم، شهر بزرگ امروز یعنی نیویورک... نیویورک یعنی کپیتال آو ذ ورلد! و این چراغ سبز یعنی نور... یعنی آی‌کان! نیویورک امروز از ماه بالاتر است. همه دنیا قمری است که دور سر نیویورک می‌گردد...» (امیرخانی، ۱۳۹۶: ۲۳۱).

«از نظر ادوارد سعید، یک فرد شرقی همانند یک نفر آفریقایی عضوی از یک نژاد و قوم فرودست به شمار می‌آید» (سعید، ۱۳۸۳: ۱۶۹). در شرق‌شناسی ادوارد سعید، از تصور نادرست غربیان نسبت به شرقیان به عنوان افرادی بی‌قانون و بی‌منطق انتقاد می‌شود. امیرخانی در کتاب خود، می‌کوشد این نوع دیدگاه مستبدانه از بالا به پایین را به انسان شرقی (یا به‌طور کلی غیرغربی و غیرسفید) در جامعه غربی به تماشا بگذارد و نشان دهد که انسان شرقی برای پذیرفته شدن از جانب فرهنگ قاهر غربی، نیاز به خودباختگی یا استحاله فرهنگی یعنی ترک هویت خودی (یا فرهنگ مبدأ) و پذیرش هویت فرهنگی مقصد دارد. از دیدگاه نویسنده بیوتن، تمام شرقیانی که در غرب به راحتی و بی‌دغدغه می‌زیند، دچار خودباختگی فرهنگی و تن سپردن به هویت پیش‌ساخته‌ای شده‌اند که هژمونی اقتدارگرایی غرب بر آن‌ها تحمیل نموده است؛ «خشی می‌گوید: حالا که سفر زیارتی است، همه قمارخانه‌ها را زیارت می‌کنیم تا برسیم پابوس حضرت لاس‌وگاس! لامذهب، هفت دلار هم ورودی دارد» (امیرخانی، ۱۳۹۶: ۹۲).

رضاخانی تبیین می‌کند که در فضای این تمدن بالادستی اگر دیگری فرودست، مثلاً یک شرقی یا رنگین‌پوست هم‌چنان بر سر حفظ اصالت فرهنگی و هویتی خود مصرّ باشد، به سرعت به حاشیه رانده خواهد شد؛ این امر را در همان نخستین صحنه داستان، یعنی لحظه ورود ارمیا به خاک آمریکا (فرودگاه نیویورک) به‌گونه مشخص مشاهده می‌کنیم که تمام علائم هشداردهنده فرودگاه، برای ورود یک بسیجی ایرانی با ترکشی در بدن و با موی و محاسن بلند و لباس خاکی رزمندگان، به صدا درآمده‌اند و اعلام خطر می‌کنند. حتی زبان این بیگانه هم می‌تواند عاملی برای تشدید رانده‌شدگی و انفعال او در این فضای متباین فرهنگی محسوب شود «یکی از پلیس‌ها به ارمیا تفهیم کرد که هر چیزی به هر زبانی که بگوید شاید در دادگاه علیه‌ش به کار رود» (همان: ۱۷).

نکته دیگری که نویسنده سعی دارد ذهن مخاطب را به آن متوجه سازد، اصل بی‌اعتمادی غرب به شرق است؛ غرب، معتقد است شرقیان، قابل اعتماد و صادق نیستند. از این منظر، اسلام می‌تواند به عنوان یک عنصر ایدئولوژیکی و فرهنگی، یک تهدید بالقوه جدی شرقی، برای غرب به شمار آید؛ واکنش‌های یک‌شکل آمریکایی‌ها به رفتارهای عادی ارمیا، مبین این مسئله است «ارمیا به بچه لب خند می‌زند و برایش دست تکان می‌دهد. مادر خم می‌شود روی صندلی عقب و بچه را به زیر می‌کشد. تعجب می‌کند. چند نفری دیگر هم او را با دست نشان می‌دهند... چیست که او را این‌گونه با دست به هم نشان می‌دادند؟» (همان، ۴۳۰).

### جدال سنت / مدرنیته در رمان بیوتن

امیرخانی با پیش کشیدن مفهوم سنت و مدرنیته، این تقابل را در رمان بیوتن به تصویر کشیده است. وی با ایجاد فضایی ویژه، به تناسبات سنت و مدرنیته اشاره کرده و به تبیین ابعاد آن پرداخته است. در بیوتن، شرق، نماد سنت و غرب، نماد مدرنیته است. «ارمیا»، شخصیت اصلی داستان با وجود دل‌بستگی‌های خاصی که به جامعه سنتی دارد نمی‌تواند حضور پرطمطراق و انکارناپذیر مدرنیته را نادیده بگیرد. جالب این است که وی بعد از کلنجارها و فراز و نشیب‌های فراوان دوباره به آغوش سنت بازمی‌گردد زیرا این یک اصل مهم است که «سنت‌ها، از جریان نوسازی دور نمی‌شوند و حتی در مدرن‌ترین جوامع هم ادامه می‌یابند» (گدینز و دیگران، ۱۳۱۰: ۱۷۵). شخصیت داستان، هیجانانگیز و احساسات‌پسندی را در طول سفر خود به غرب پشت سر می‌گذارد اما سرانجام به دنیایی برمی‌گردد که تناقض‌ها و ابهامات معماگونه در آن کم‌رنگ است. «نیمه مدرنم عشق می‌کند و حال می‌کند از این همه لوطی‌گری و نیمه سنتی فاصله بیست فوتی صندلی عقب لموزین را با صندلی جلو قدم می‌گیرد. هیچ نمی‌گوید. چرا همه چیز من در هم ریخته است؟ کجایی سهراب..» (رضاخانی، ۱۳۹۶: ۹۳).

تلاقی مدرنیته و تمدن غرب با جامعه سنتی ایران، موجب شده است که بر سازگاری دین با علم و عقل مدرن تأکید و پافشاری شود. در بیوتن، ارمیا جهاد اکبر را در کنار جهاد

اصغر آغاز می‌کند. هم با مدرنیته درگیر می‌شود و هم با نفس خود. نویسنده، به جای این‌که به جنگ با مدرنیته برود خیلی جاها کوتاه می‌آید و جنگ با نفس را اصل و ابتدا می‌داند. گویی نویسنده معتقد است که شریعت دین، ظاهر آن است و اصل دین حقیقت آن، که در پس شریعت پنهان است و اگر جایی به شریعت عمل نشد مهم نیست، اگر حقیقت از دست نرود (مظفری‌نیا، ۱۳۹۱: ۲۷۸).

ارمیا موافق با تسلیم‌شدگی بی قید و شرط در مقابل مدرنیته غرب نیست. وی ضمن پذیرش ابعاد مهم و عقلانی مدرنیته، قائل به حفظ هویت فرهنگی و بومی است وی با آداب فرنگ‌مآبی چون روابط جنسیتی، استفاده از مسکرات، آزادی‌های افسارگسیخته مخالف است و وجه ظاهری و فسادگونه غرب را طرد می‌کند؛ اما در لایه‌های پنهانی داستان ما شاهد آن هستیم که ارمیا با بطن و جوهره هویت مدرن غرب مخالفت نمی‌ورزد. وی با اصول و ارزش‌هایی مخالف است که در آن انسانیت لحاظ نشده است، خواه این امر در فرهنگ خودی باشد و خواه در فرهنگ بیگانه: «این همه چیزهایی است که از ایران با خودم آورده‌ام... یک‌مشت لغت. انحصارگرایی، تکثرگرایی، جامعه مدنی، استبداد، گفتن، فاشیسم، لیبرالیسم، مهر قهر، عدالت اجتماعی، آزادی فردی... یک‌مشت لغت! آرمیتا! می‌فهمی!» (امیرخانی، ۱۳۹۶: ۲۰۹).

### خودباختگی / خودباوری در رمان بیوتن

جوامعی که دچار بحران شخصیت و هویت می‌شوند، بازیچه قدرت‌های استعماری قرار می‌گیرند؛ و انسانی که دچار بیماری تعدد هویتی است، نمی‌تواند ارزش را از ضد ارزش بازشناسد؛ و این تکثرگرایی باعث می‌گردد که خود را در حجم باطل‌های تزیین شده گم کرده و بدل را جایگزین اصل قرار دهد. پوشیده نیست که کارآمدترین حربه استعمار، مسخ شخصیت و بی‌هویت کردن ملل تحت سلطه است. در رمان بیوتن، ما با شخصیتی به نام خشی روبرو می‌شویم که دچار بحران هویتی شده است و مقاومت خویش را برای حفظ خود واقعی‌اش از دست داده است. خروج و بی‌توجهی به فضای شاعر دینی، معلق شدن در فضای مادی‌گرایی و خیره شدن به مظاهر دنیوی موجب شده است که خشی، خود را

ببازد «باید احترام گذاشت به یک تمدن. کت و شلوار را اگر قبول کردی، باید کراواتش را هم بزنی» (امیرخانی، ۱۳۹۶: ۳۲۵)؛ «خشی نمی‌خواست دین پدر و مادرش را داشته باشد، حتی اسمی را که آن‌ها روی‌اش گذاشته بودند، عوض کرد... ارمیا می‌پرسد: - مگر خشی، مخفف خشایار نیست؟ مثل آرمی و ارمی و ... خشی می‌خندد: - از تو انتظار نداشتم ارمیا!» (همان: ۳۶۵).

اما در مقابل این خودباختگی، ارمیا، شخصیتی تقریباً پایدار است که معادلات خردگرایانه را باور دارد. او در طول داستان، بارها در معرض ابتلا به گم‌گشتگی هویت اصیل و مستقل قرار می‌گردد، اما چون این سرگردانی هویتی در او به عنوان دغدغه‌ای اصلی در تقابل با ارزش‌های اعتقادی مطرح است منجر به خودیابی می‌شود. ارمیا، فرهنگ و هویت خود را که همانا گمشده هر انسانی است جستجو می‌کند و سرانجام آن را بازمی‌یابد و آرام می‌گیرد. «ارمیا، از شدت گریه فریاد می‌کشد: - منم پناهنده به حرم تو. می‌خواهم بیرون بزنم... تیر من کجاست ای خدا؟ من مطرودترین مطرودانم، اگر نبود پس چرا همه دوستانم رفتند و من ماندم؟ نکند من زاده پدرم نباشم... نیمه ماه مبارک، من این جا چه می‌کنم؟!» (همان: ۲۱۶).

### نتیجه‌گیری

مسئله اصلی این تحقیق، جست‌وجو در تناسبات پسااستعماری مطرح در رمان بیوتن نوشته رضا امیرخانی و تحلیل این تناسبات بر اساس مؤلفه‌های اصلی این نظریه، مطرح شده در خلال اندیشه‌های شرق‌شناسانه ادوارد سعید بوده است؛ دستاوردهای تحقیق را در موارد زیر می‌توان دسته‌بندی نمود:

۱. پیرنگ اصلی داستان، بر پایه تقابل‌های دوگانه میان اموری شکل می‌گیرد که از تعارض آن‌ها، مبانی پایه‌ای اندیشه پسااستعماری شکل می‌گیرد؛ نظیر تقابل شرق/غرب، خود/دیگری، مرکزیت/در حاشیه بودن.

۲. شخصیت ارمیا، از دیدگاه نویسنده بیوتن، شخصیتی آرمانی با هویت اصیل ایرانی -

اسلامی، دارای تمام جنبه‌های استعلایی و خودانگیختگی فعال و مثبت است. وی واجد تمامی نشانگان ارزشی - فرهنگی منظور در گفتمان ایدئولوژیکی مد نظر نویسنده است.

۳. رمان ضمن اقرار به قاهریت غرب بر شرق، در جنبه‌های مختلف حیات و تمدن بشری، به‌گونه‌ی ضمنی گرایش ترجیحی به امور معنوی و سنتی - که در بطن خود نمادهایی از شرقی‌گرایی، در تضاد با غرب‌گرایی دارد - را به نمایش می‌گذارد.

۴. شخصیت‌های شرقی موجود در داستان، در فضای متباین غربی دوگونه واکنش فرهنگی - هویتی در برابر بالادستی فرهنگ غربی، از خود نشان می‌دهند، یا به‌کلی هویت اصیل شرقی خود را فراموش نموده، تن به هویت کلیشه‌ای و از پیش تعیین شده‌ی غربی می‌سپارند، که در اصطلاحات پسااستعماری از این امر تحت عنوان خودباختگی یاد می‌شود و یا سعی در حفظ هویت اصیل خود دارند و محکوم به دیگری‌بودگی (یا در حاشیه بودن) در انگاره‌ی فرهنگی غرب می‌شوند. شخصیت ارمیا تا پای جان هویت ملی، مذهبی، سنتی و در یک کلام شرقی خود را پاس می‌دارد.

## منابع

### الف) کتاب‌نامه

۱. امیرخانی، رضا. (۱۳۹۶). بیوتن. ج ۱۴، تهران: علم.
۲. انصاری، منصور. (۱۳۸۴). *دموکراسی گفتگویی*، تهران: مرکز.
۳. بارکر، پیتر. (۱۳۹۱). *مطالعات فرهنگی*، ترجمه مهدی فرجی و نفیسه حمیدی، ج ۲، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۴. برتنز، هانس ویلم. (۱۳۸۲). *نظریه ادبی؛ مقدمات*. ترجمه فروزان سجودی، تهران: موسسه انتشاراتی آهنگی دیگر.
۵. بروجردی، مهرزاد. (۱۳۷۸). *روشنفکران ایرانی و غرب*، ترجمه جمشید شیرزادی، تهران: پژوهش فروزان روز.
۶. بشیریه، حسین. (۱۳۷۹). *نظریه‌های فرهنگی در قرن بیستم*، تهران: موسسه فرهنگی آینده پویان تهران.
۷. ترنر، برایان. اس. (۱۳۸۳). *شرق‌شناسی؛ پسامدرن و جهانی شدن*، ترجمه سعید وصالی، تهران: انتشارات

بنیاد نهج البلاغه.

۸. تسلیمی، علی. (۱۳۸۸). *نقد ادبی نظریه‌ها و کاربرد آن‌ها در ادبیات فارسی*، ج ۳، تهران، اختران.
۹. جبور، عبدالنور. (۱۳۵۱). *المعجم الادبی*، بیروت: دارالعلم.
۱۰. خادمی کولایی، مهدی. (۱۳۸۸). *فرهنگ توصیفی داستان نویسان دفاع مقدس*، تهران: شاهد.
۱۱. داوری اردکانی، رضا. (۱۳۷۹). *دریاباره غرب*، تهران: هرمس.
۱۲. رشیدیان، عبدالکریم. (۱۳۹۳). *فرهنگ پسامدرن*، تهران: نی.
۱۳. سعید، ادوارد. (۱۳۸۳). *شرق‌شناسی*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۴. \_\_\_\_\_ . (۱۳۸۷). *پوشش خبری اسلام در غرب*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
۱۵. شرت، ایون. (۱۳۸۷). *فلسفه علوم اجتماعی قاره‌ای*، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نی.
۱۶. شریعتی، علی. (۱۳۵۵). *انسان، مارکسیسم، انسان*، تهران: ایمان.
۱۷. عضدانلو، حمید. (۱۳۸۳). *ادوارد سعید*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
۱۸. گاندی، لیلان. (۱۳۸۸). *پسااستعمارگرایی*، ترجمه مریم عالم‌زاده و همایون کاکا سلطانی، تهران: پژوهشکده مطالعات اجتماعی فرهنگی اجتماعی.
۱۹. گیدنز، آنتونی و دیگران. (۱۳۸۰). *مجموعه مقالات دریاباره مدرنیسم*، ترجمه حسنعلی نوذری، ج ۳، تهران: نقش جهان.
۲۰. همتی گلپیان، عبدالله. (۱۳۶۸). *تاریخچه شرق‌شناسی*، کاوشی در سیر مطالعات اسلامی در غرب، مشهد: جهاد دانشگاهی.
۲۱. هوسرل، ادموند. (۱۳۸۱). *تأملات دکارتی؛ مقدمه‌ای بر پدیدشناسی*، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: نی.

ب) مقالات

۲۲. ایزدی، فؤاد، سقایی بی‌ریا، حکیمه. (۱۳۸۶). «گفتمان شرق‌شناسی؛ شالوده‌تقابل غربیان با نهضت ملی هسته‌ای ایران»، در گزارش جمهور، مرکز پژوهش و اسناد ریاست جمهوری، سال اول، شماره ۲.
۲۳. رضوی، سید کمال، احمدوند، عباس. (۱۳۹۵). «از شرق‌گرایی تا شرق‌شناسی: پژوهشی در تحول مفهوم و مصداق شرق‌شناسی»، در غرب‌شناسی بنیادی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال هفتم، شماره ۱، صص ۹۹-۱۳۱.
۲۴. شکردست، فاطمه، گرجی، مصطفی. (۱۳۹۴). «رویکردی در تحلیل و نقد رمان‌های انقلاب اسلامی با تأکید بر نقد رمان‌های امیرخانی»، در فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی، شماره ۳۳، صص ۱۸۳-۲۱۲.



۲۵. صادقی مالواجردی، زهرا، اسدیان، مریم. (۱۳۹۵). «بررسی هویت فرهنگی، دینی، تاریخی در رمان «بیوتن» نوشته رضا امیرخانی»، در فصلنامه مطالعات ملی، سال هفدهم، شماره ۳، صص ۳۵-۵۱.
۲۶. عسگری حسنگلو، عسگر. (۱۳۸۹). «تقد اجتماعی رمان معاصر فارسی با تأکید بر ده رمان برگزیده»، در فصلنامه زبان و ادبیات فارسی، شماره هفدهم، صص ۵۸-۷۲.
۲۷. گرجی، مصطفی، حامدی، یوسف‌رضا. (۱۳۸۹). «بررسی و تحلیل رمان بیوتن با تأکید بر عنصر شخصیت و شخصیت‌پردازی»، در فصلنامه تخصصی پیک نور زبان و ادبیات فارسی، سال اول، شماره ۱، صص ۱۳۲-۱۵۴.
۲۸. مظفری نیا، مهدی. (۱۳۹۱). «ارمیا، به‌مثابه نحوه بودن ما در زمانه انقلاب اسلامی در دوره پسا جنگ؛ تا ملی در آینده انسان انقلاب اسلامی در آئینه رمان‌های ارمیا و بیوتن». در علوم اجتماعی سوژه اندیشه، شهریور و مهر ۱۳۹۱ شماره ۶۲ و ۶۳، صص ۲۷۳-۲۷۸.
۲۹. ناظمیان، رضا. (۱۳۹۰). «غرب‌مداری، شرق‌گریزی در رمان‌های عربی، بررسی آثار یحیی حقی، سهیل ادريس، علاء الاسوانی، طیب صالح»، در فصلنامه لسان مبین، شماره چهارم، ۱۴ صفحه.

